

دانلود مقاله ماشین، ترافیک و اخلاق شهروندی

جهت مشاهده [دانلود مقاله ماشین، ترافیک و اخلاق شهروندی](#) به پایین همین صفحه مراجعه نمایید
تعداد صفحات : 14 صفحه

برای دریافت اینجا کلیک کنید

فرمت WORD قابل ویرایش



ماشین، ترافیک و اخلاق شهروندی

می توان به آسانی شواهدی دال بر عدم شکل گیری اخلاق شهروندی در تهران آورد. می توان در این خصوص سخن گفت که حوزه عمومی و جامعه مدنی و نظایر آن در ایران وجود ندارد یا از موقعیتی ضعیف برخوردار است.

نوشته حاضر سه وجه دارد: ماشین، ترافیک و اخلاق شهروندی. اما قبل از آن که در مورد این سه وجه کمی تامل کنم باید به سوالی بپردازیم که دغدغه اصلی من در این نوشتار است. چرا مردم علی رغم مشکلات عدیده‌های (آلودگی هوا، آلودگی صوتی، از دست دادن زمان، فشارهای عصبی پشت ترافیک و...) که مسئله ترافیک در پی دارد همچنان از اتومبیل های شخصی خود استفاده می کنند؟ امروزه ما می بینیم که رسانه ها و مسئولین به مردم انتقاد میکنند که چرا از وسیله نقلیه شخصی استفاده می کنند و بر مشکلات می افزایند.

برخی از جامعه شناسان نیز بر وجود فردگرایی خودمدارانه در بین مردم ایران تاکید می کنند و روانشناسان نیز به طریق خود به محکومیت مردم می پردازند. اما اگر بخواهم یک پاسخ ساده به همه این اعتراضات بدهم این است که "استفاده از وسایل نقلیه عمومی موجود در ایران پیامدهایی دربر دارد که در نهایت منجر به از بین رفتن اخلاق شهروندی می شود". بنابراین من فکر می کنم که مردم در شرایط موجود از عقلانیتی در کنش خود بهره می گیرند که در کوتاه مدت مسائل شخصی و خانوادگی شان را رفع می کند اگرچه در بلند مدت و در سطحی دیگر ممکن است برای جامعه مسئله ایجاد کند. برای تشریح این پاسخ ساده به ناچار به سه وجه ذکر شده در ابتدای سخن بر می گردم.

• اخلاق شهروندی

می توان به آسانی شواهدی دال بر عدم شکل گیری اخلاق شهروندی در تهران آورد. می توان در این خصوص سخن گفت که حوزه عمومی و جامعه مدنی و نظایر آن در ایران وجود ندارد یا از موقعیتی ضعیف برخوردار است. می توان اخلاق شهروندی را در برابر فردگرایی خودمدارانه قرار داد و بر این نکته تاکید گذاشت که ایرانیان دارای چنین اخلاقی اند و فرد ایرانی منافع جمعی را به کل نادیده می گیرد و همه چیز را بر مدار فردیت خود سامان می دهد.

در عین حال برخی از شواهد هم می توانند علیه این تلقی وارد شوند و بر جمع گرایی حاکم بر روحیه ایرانیان

تاکید کنند. اما همه این استدلال‌ها یک نکته را مغفول می‌نهد و آن این که فردگرایی و جمع‌گرایی در بین ایرانیان را باید با مقوله دیگری چون خانواده‌گرایی فهم کرد.

دوگانه فردگرایی و جمع‌گرایی و به عبارت دقیق‌تر فردگرایی خودخواهانه و فردگرایی جمع‌گرایانه یا دگرخواهانه برای فهم جامعه ایران کافی نیست بلکه خانواده‌خواهی و الویت دادن منافع خانواده بر منافع دیگر اعضای جامعه، مفهومی است که در تحلیل امروز می‌تواند به کمک ما بیاید. اخلاق شهروندی در ایران را باید با چنین ملاحظاتی بحث کرد.

برای دقت نظری بیشتر بهتر است بر اساس نگاه دورکیمی پیش برویم، برای فهم اخلاق شهروندی ابتدا باید بین دو نوع فردگرایی که دورکیم تمایز گذارده اشاره کرد. وی از دو نوع فردگرایی نام میبرد. فردگرایی اخلاقی و فردگرایی خودخواهانه و در کتاب تقسیم کار این دو مفهوم را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد. فردگرایی اخلاقی با نوعی نظام اخلاقی اجتماعی همبسته است.

در این فردگرایی، فرد در پیوند با نظام اجتماعی و نظم اخلاقی آن شناخته می‌شود و فردگرایی اخلاقی به معنای مسئول بودن فرد در قبال افراد دیگر و جامعه و اخلاق مدنی است. مهمترین نتیجه حاصل از کتاب درباره تقسیم کار اجتماعی این بود که فردگرایی اخلاقی پیش شرط لازم جامعه جدید است. فردگرایی یا کیش فرد بر پایه احساس همدردی یا رنج هموعان، آرزوی برابری و عدالت بنیاد نهاده شده است و منشایی اجتماعی دارد.

کیش فرد به نظر دورکیم احترام به تمامیت همه افراد است و خداانگاری فرد منجر به احترام به حقوق انسانی و تأیید این حقوق، همدردی و دلسوزی بیشتر برای همه رنجها و بدبختیهای بشری، اشتیاق برای نبرد با آنها و تخفیف آنها و عطش بیشتری برای عدالت گردیده است. بنابراین فردگرایی یکی از اجزای تشکیل‌دهنده جامعه مدرن است.

فردگرایی خودخواهانه نوعی ویژگی اخلاقی است که صرفاً بر تقدم منافع شخصی مبتنی است. این نوع از فردگرایی اساساً مغلطه‌های جامعه و نظم هنجاری جامعه و نظم اجتماعی است. دورکیم در نقد فردگرایی خودخواهانه معتقد بود که هیچ جامعه‌ای را نمیتوان بر پایه دنبال کردن نفع شخصی بنا نهاد. فردگرایی خودخواهانه اغلب در فرد اجتماعی نشده ظهور میکند و در نیازها و امیال این قبیل افراد ریشه دارد.

دورکیم هم فردگرایی خودخواهانه و هم فردگرایی اخلاقی را محصول جامعه مدرن می‌دانست. من نمی‌خواهم بگویم که فردگرایی خودخواهانه یا اخلاقی اساساً در ایران وجود ندارد. می‌خواهم بگویم که این دوگانه دورکیمی هم برای تحلیل جامعه ما کافی نیست. فردگرایی در هر دو شکلش در ایران تابعی از منافع خانواده است.

• اتومبیل

اتومبیل شخصی در ایران صرفاً ابزاری برای تشفی خودخواهی‌های فردی نیست. اتومبیل شخصی صرفاً یک ابزار نیست و صرفاً یک وجه ندارد. اتومبیل شخصی یک برساخته فرهنگی و محصولی اجتماعی است. برساخته‌ای فرهنگی که با منافع خانواده در ایران پیوندی نزدیک دارد. ماشین پاره‌ای از خانه است و شاید هم تداوم خانه در خیابان.

ما با جامعه‌ای مواجهیم که خیابان هیچ موضوعیتی جز ادامه خانه بودن یا محملی برای شکل‌گیری نفس‌های منفرد نمی‌تواند داشته باشد. بیراه نخواهیم رفت اگر بگویم، ماشین پاسدار حریم خانواده در شهری است که امکان شکستن حرمت‌های آن فراوان است. جامعه‌ای که از یکسو تأکید بسیاری بر حرمت خانواده دارد و از دیگر سو امکانات لازم را برای حفظ این حرمت در شهر و در فضای عمومی فراهم نکرده است.

ترافیک خود پدیده ای چند وجهی است به گونه ای که از زوایای گوناگون می توان بدان نگریست. من در اینجا از جنبه های خوشایند ترافیک در زندگی شهری سخنی نمی گویم و صرفاً ترافیک را به عنوان یک معضل می پذیریم. معضلی که خود انواع مسایل را برای ما ساکنان کلان شهر پدید آورده است و از این رو موضوع سخنان زیادی در دهه های اخیر قرار گرفته است.

یک تناقض جالب این است که هرچه بر میزان توجه و مسئله دار بودن ترافیک افزوده شده است بر میزان ترافیک نیز افزوده شده! در همه این موارد توجه بیش از گسترش وسایل نقلیه عمومی مطمئن، بر فرهنگ سازی در عدم استفاده از وسایل نقلیه شخصی تاکید شده است.

اکنون نوبت آن است که مجدداً بپرسیم مردم به خوبی می دانند که اتومبیل شخصی بر حجم خودروها و مسئله ترافیک می فزاید اما چرا از اتومبیل شخصی استفاده می کنند؟ بگذارید سوال دیگری را هم طرح کنم: آیا اساساً راهی غیر از استفاده اتومبیل های شخصی برای مردم جامعه ما وجود دارد؟ می شود تاملی دقیق تر در باب وسایل نقلیه عمومی در ایران و نسبتش با ساختارهای فرهنگی موجود داشت. وسیله نقلیه عمومی در هر وجهش در ایران (تاکسی؛ اتوبوس و مترو)، نه تنها خود به شکل گیری اخلاق شهروندی کمکی نمی کند بلکه دقیقاً پایه نوعی بی اخلاقی و شهروند ستیزی و حرمت شکنی خانواده را بنا می کند. اخلاق شهروندی تا اندازه زیادی تابع فضاهای عمومی شهری است.

شهری که به کرامت انسانی احترام بگذارد؛ فردیت دگر خواه در آن شکل می گیرد. خیابان، پیاده روها، وسایل نقلیه عمومی در ایران بخشی از فضاهای عمومی شهری اند که دائماً حقوق شهروندی نه فقط توسط مردم بلکه ساختارها، ابزارها، وسایل نقلیه عمومی؛ تصمیمات مدیران شهری و... زیر پا گذاشته می شود. تهران شهر بی اخلاق است.

نه بی اخلاقی که صرفاً متوجه مردمی باشند که هنوز به شهروند بدل نشده اند بلکه بی اخلاقی که در درجه اول متوجه ساختارهای نهفته در خود شهر است. ساختارهایی که یک شهروند را به غیرشهروند بدل می کند. اکنون برگردیم به پاسخ اولیه که به سوال خود دادم.

استفاده از وسایل نقلیه عمومی به دستگاهی برای حرمت شکنی تبدیل می شود. و همین طور، استفاده از آنها خود عملی غیر فرهنگی محسوب می شود. عملی که از یکسو فردیت ضعیف شهری پایمال می شود و از دیگر سو حرمت خانواده می تواند زیر سوال رود.

با این توصیفی که من کردم استفاده از وسایل نقلیه عمومی در برخی از مهمترین موارد به ارزشهای خانواده گرایانه ما بر می گردد.

اینکه ما همواره در طلب آرامش و امنیت خانواده خود هستیم و منافع فردی خود را در بسیاری اوقات فدای منافع خانواده می کنیم. به این نکته بیفزاید منافع جمعی در جامعه را نیز فدای منافع خانواده می کنیم. همین طور استفاده از اتومبیل شخصی در جهت همان حفظ کرامت انسانی و فردیت جدیدی است که در ایران در حال شکل گیری است. فردیتی که پیش زمینه اخلاق شهروندی است.

اخلاق شهروندی، درك رفتار دموکراتيك

انسانها در زمانهاي نسبتاً دور که هنوز شهرها به صورت امروزي شکل نگرفته بودند بسیار آزادانه تر زندگی می کردند و هیچ حد و حصري را براي خود قائل نبودند. شاید ضرب المثلي مانند <چهاردیواری، اختیاری> از همان زمانها شکل گرفته باشد.

ولي امروزه زندگی از نوع شهري نیاز به قوانین، ارتباطات و تعاملات خاص خود دارد و هرگونه وقفه، کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین و آداب شهرنشینی و رعایت نکردن حقوق دیگران، تنشها، خشونتها و ناملايمات

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری را دامن می‌زند. افراد حتی در درون خانه خود هم باید با نوع رفتار خود مراعات همسایه‌ها را داشته و به حقوق آنها احترام بگذارند.

این احترام به حقوق متقابل از زمانی شکل گرفت که جمعیت شهرنشین افزایش یافت و هر روز که می‌گذشت شهرها نیز گسترش پیدا می‌کرد. به طبع آن مناسبات اجتماعی میان مردم نیز پیچیده‌تر از قبل می‌شد؛ پس زندگی اجتماعی نیازمند قوانین و ساختارهایی بود که با این رفتارهای شهرنشینان هماهنگ باشد. گپ‌ارمه، در کتاب <فرهنگ و دموکراسی> می‌نویسد: شهروندی فقط از لحظه‌ای آغاز می‌شود که انسان‌درها را به روی کسانی که با او فرق دارند، بگشاید. شهروند کسی است که قواعد سلوک دموکراتیک را می‌داند و ارزش‌های اخلاقی آن را می‌شناسد.

قوانین مربوط به شهرنشینی امروزه در قالب شهروند تداعی می‌شود، شاید واژه شهروند در میان کتاب‌ها و روزنامه‌ها غریبی نکند اما در متن جامعه هنوز میهمانی ناخوانده محسوب می‌شود و هنوز هم در تعریف آن ابهامات زیادی دیده می‌شود. جامعه‌شناسان شهری و متخصصان فنی شهرسازی و معماری بر این باورند که میان شهرنشینی و شهرنشین تفاوت زیادی وجود دارد، شهرنشین کسی است که به لحاظ جغرافیایی در یک قلمرو به نام شهر ساکن است و شهرنشینی یعنی اینکه شهروند دارای فرهنگ شهرنشینی شده باشد.

در این میان شهروندی یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین تئوری‌های این دوره شده است که در ایده شهروندی حق همه افراد برای برخورداری از حقوق قانونی به رسمیت شناخته شده و مسوولیت‌هایی که آنها باید آن را به جهت برخورداری از یک زندگی مناسب‌تر برعهده گیرند مشخص می‌شود. باید دانست که تنها استقرار فیزیکی در شهر، معادل واژه شهروند نیست، شهروند باید در نقش‌های مشارکتی مدیریت بهینه شهر ایفاگر نقش و مسوولیت باشد، چرا که شهروندی، بستر اجتماعی مناسبی را برای فعالیت‌های فرد مهیا می‌کند

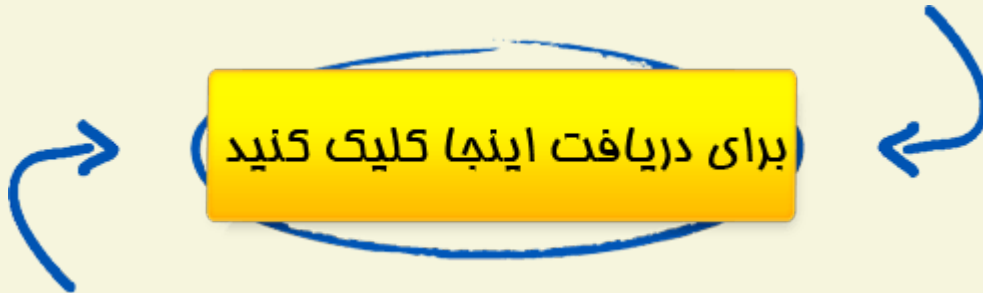
تا او بتواند همه چیز را در خدمت پیشرفت خود به سوی تعالی به دست گیرد. در حیطه شهروندی، حق همه افراد برای برخورداری از حقوق قانونی به رسمیت شناخته شده و همچنین مسوولیت‌هایی که آنها باید آن را به جهت برخورداری از یک زندگی مناسب‌تر برعهده گیرند مشخص می‌شود. اساسی‌ترین و آشکارترین قوانین شهروندی در جامعه‌ای چون ایران، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت در انواع مختلف آن، حفظ میراث زیست، ایجاد فضا و محله سالم، پیشگیری از هرگونه آلودگی از نوع محیطی و صوتی، مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی است.

عبور از چراغ قرمز، انداختن زباله به خیابان‌ها و بوق‌های بی‌مورد فقط بخش کوچکی از رفتارهای ناهنجار و غیراجتماعی است که هر روز ما در زندگی خود با آنها مواجه هستیم، حتی ممکن است چنین رفتارهایی بر شهروندانی که درصدد رعایت قوانین و هنجارهای شهروندی هستند اثر گذاشته و رفتار آنها را نیز تحت تاثیر قرار دهد، لذا باید با ایجاد زمینه‌های فرهنگی جدید و دقت لازم در اجرای قوانین، بنیاد قوانین شهروندی را هرچه بیشتر تقویت و آن را برای دهه‌های آینده نهادینه کنیم، چرا که وقتی شهروندان احساس کنند در صورت انجام رفتارهایی از قبیل انداختن ته سیگار در پیاده‌رو مورد سرزنش اطرافیان قرار می‌گیرند، از انجام چنین رفتاری پرهیز کرده و به سمت انضباط اجتماعی حرکت می‌کنند.

همان‌طور که اکنون سیگار نکشیدن در مکان‌های عمومی مانند اتوبوس‌های درون‌شهری به یک فرهنگ عمومی تبدیل شده است و دیگر کسی به خود اجازه نمی‌دهد که در چنین مکان‌هایی سیگار بکشد. البته این موضوع غالباً در نهادینه کردن فرهنگ شهرنشینی خلاصه نمی‌شود و ریشه آن در مهاجرت‌های بی‌رویه‌ای است که در شهرها مشاهده می‌شود، توسعه گسترش شهرنشینی با سرعتی بی‌سابقه و حتی سریع‌تر از کشورهای صنعتی باعث شده که بسیاری از شهروندان آمادگی لازم برای ورود به این زندگی را پیدا نکنند.

افزایش بیکاری در چند سال گذشته، مهاجران را از شهرهای کوچک که کمترین اصطکاک را با قانون داشته‌اند به کلان‌شهرهای بزرگ پرتاب کرده و همین عامل باعث شده که آنها خود را در کلانشهری ببینند که زندگی در آن هم‌جهت با قانون است. با مهاجرت آنها و گسترش شهرک‌ها و حاشیه‌نشینی فاصله هسته اولیه تا اقصی‌نقاط شهر هر روز بیشتر می‌شود. سفرهای درون‌شهری، زمان را از شهروندان می‌دزدد و شهروندان برای صرفه‌جویی در وقت قانون را نادیده می‌گیرند و با پسرانداز کردن دقیقه‌ها جان خود و دیگران را به‌خطر می‌اندازند.

در این صورت > قانون‌گریزی



مقالات مرتبط

- [دانلود مقاله اعتیاد](#)
- [دانلود مقاله جایگاه اجتماعی زنان از دو دیدگاه حجاب](#)
- [دانلود مقاله انقلاب چین](#)

از این سایت‌ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ، ایران](#)
- [گت بیبر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)
- [دانش‌رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)